

آیا عصر اخراج‌های بزرگ فرا رسیده است؟

موج تازه تعدیل نیرو در اقتصادهای بزرگ، نسبت میان سود، فناوری و امنیت شغلی را وارد مرحله‌ای تازه و پرچالش کرده است



اقتصاد جهانی بار دیگر با موجی از اخراج‌های گسترده

روبه‌رو شده است؛ موجی که این‌بار نه صرفاً نشانه رکود یا بحران، بلکه بخشی از راهبردهای رسمی بنگاه‌های بزرگ معرفی می‌شود. گزارش‌های رسانه‌های اقتصادی معتبر نشان می‌دهد بسیاری از شرکت‌ها، به‌جای کاهش تدریجی نیرو، به تعدیل‌های یکباره و وسیع روی آورده‌اند؛ تصمیمی که بازاریهای مالی نیز اغلب با رشد قیمت سهام به آن پاسخ داده‌اند. چنین تغییری بی‌انگاز دگرگونی عمیق در منطق اداره شرکت‌هاست: کارایی کوتاه‌مدت و رضایت سرمایه‌گذاران، بیش از ثبات اشتغال و سرمایه انسانی، معیار ارزیابی موفقیت شده است. پیامد این چرخش، تنها محدود به ترازنامه بنگاه‌ها نیست؛ ساختار بازار کار، صندوق‌های بازنشستگی، خدمات عمومی و حتی تصور نسل جوان از آینده شغلی، همگی در معرض بازتعریف قرار گرفته‌اند.

چرخش در منطق بنگاه

وال استریت ژورنال هفته گذشته با طرح این پرسش که «آیا عصر اخراج‌های عظیم فرا رسیده است؟» به پدیده‌ای پرداخت که دیگر استثنا به شمار نمی‌رود. روایت این روزنامه نشان می‌دهد کارفرمایان به جای مدیریت تدریجی کاهش نیرو، به مزایای مالی ناشی از تعدیل‌های بزرگ و سریع چشم دوخته‌اند. گذشته نزدیک اخراج‌های گسترده را نشانه بحران مدیریتی یا رکود شدید می‌دانست؛ اکنون همان اقدام، در بسیاری موارد به عنوان

اقتصاد آلمان در تنگنای چندلایه

افزایش هزینه‌های تولید، بوروکراسی فزاینده و فشارهای ژئواکونومیک، چشم‌انداز رشد بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا را تیره کرده است

آلمان، موتور صنعتی اروپا، این روزها با ترکیبی کم‌سابقه از فشارهای داخلی و خارجی مواجه است. هم‌زمان با آماده‌سازی دولت برای اعلام پیش‌بینی رشد اقتصادی سال ۲۰۲۶، نشانه‌ها حاکی از آن است که این برآورد با تعدیل نزولی همراه خواهد بود. شاخص‌های اعتماد کسب‌وکار، روند سرمایه‌گذاری صنعتی و آمار ورشکستگی شرکت‌ها تصویری از اقتصادی ارائه می‌کنند که زیر بار هزینه‌های فزاینده، کمبود نیروی ماهر و ناطلمینانی‌های ژئواکونومیک خم شده است. فعالان اقتصادی از آینده‌ای مبهم سخن می‌گویند و خواستار اصلاحاتی ساختاری هستند؛ اصلاحاتی که بتواند رقابت‌پذیری این اقتصاد پیشرو را احیا کند. چشم‌انداز کوتاه‌مدت اما همچنان مه‌آلود به نظر می‌رسد.

فشار هزینه و بوروکراسی

گزارش‌های رسانه‌های سراسری آلمان، از جمله شبکه اول تلویزیون این کشور، نشان می‌دهد فضای عمومی اقتصاد همچنان منفی است. بسیاری از بنگاه‌ها افزایش هزینه‌های تولید را اصلی‌ترین مانع فعالیت خود می‌دانند. سهم بالای پرداخت‌های بیمه‌های اجتماعی و رشد هزینه‌های نیروی کار، به‌ویژه برای شرکت‌های متوسط و کوچک، به دغدغه‌ای جدی تبدیل شده است.

کمبود نیروی کار ماهر، فشار را دوچندان کرده است. صنایع تولیدی، خدمات فنی و حتی بخش‌های نوآور با چالش جذب نیروهای متخصص

نشانه‌ای از قاطعیت مدیریتی تعبیر می‌شود.

نمونه‌های اخیر در شرکت‌های فناوری این چرخش را برجسته کرده است. اعلام تعدیل گسترده در برخی شرکت‌ها با جهش ارزش سهام همراه شد؛ رخدادی که پیام روشنی به سایر مدیران مخابره کرد. روایت‌هایی منتشر شد که نشان می‌داد مدیران بنگاه‌های دیگر در پی الگوبری از این تجربه‌اند. تعدیل نیرو، به‌ویژه هنگامی که با استناد به بهره‌گیری از هوش مصنوعی و بازاریابی ساختار سازمانی انجام می‌شود، به عنوان «صورتی اجتناب‌ناپذیر» معرفی می‌گردد. چنین رویکردی تنها واکنشی به افت مقطعی درآمد نیست؛ بلکه بخشی از بازتنظیم گسترده‌تر سرمایه در بخش‌هایی است که بازدهی پایین‌تری دارند. بازار سرمایه نیز با استقبال از کاهش هزینه‌های نیروی انسانی، این پیام را تقویت می‌کند که سودآوری کوتاه‌مدت اولویت نخست است. نتیجه، انتقال ریسک‌های ساختاری اقتصاد به نیروی کار و تضعیف امنیت شغلی در مقیاسی وسیع‌تر است.

گسترش جهانی تعدیل‌ها

آمارهای مؤسسات مشاوره منابع انسانی نشان می‌دهد سال گذشته بیش از یک میلیون مورد اخراج در ایالات متحده ثبت شده؛ رقمی که بالاترین سطح پس از سال نخست همه‌گیری کرونا به شمار می‌آید. تنها در ماه‌های اخیر، هزاران شغل در شرکت‌های فناوری، رسانه‌ای و مالی حذف شده و برخی غول‌های دیجیتال نیز

بدهی، فناوری و آینده کار

بدهی‌های سنگین دولت‌ها و شرکت‌هاییک از زمینه‌های اصلی این بازاریابی محسوب می‌شود. بدهی‌فد رال آمریکا به ده‌ها تریلیون دلار رسیده و هزینه بهره آن سهم قابل توجهی از بودجه را می‌بلعد. بنگاه‌های غیرمالی نیز با بدهی‌های انباشته روبه‌رو هستند و هم‌زمان برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های هوش مصنوعی و تحول دیجیتال به منابع مالی تازه نیاز دارند. برآوردها نشان می‌دهد شرکت‌های بزرگ فناوری در سال جاری میلادی ده‌ها میلیارد دلار بدهی جدید برای توسعه زیرساخت‌های هوشمند جذب خواهند کرد.

فشار هم‌زمان برای کاهش هزینه‌های جاری و تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌بر، مدیریت بنگاه‌ها را به سمت کوچک‌سازی نیروی انسانی سوق می‌دهد. هوش مصنوعی و اتوماسیون، که می‌توانند بهره‌وری را افزایش دهند، در کوتاه‌مدت به ابزاری برای حذف مشاغل تکراری بدل می‌شوند. چنین وضعیتی پرسشی بنیادین پیش می‌کشد: آیا دستاوردهای فناوری به بهبود کیفیت زندگی نیروی کار می‌انجامد یا صرفاً به تقویت سودآوری سرمایه‌ها؟

بازار کار نشانه‌هایی از دگرگونی عمیق را بروز می‌دهد. شکاف سنتی بیکاری میان سطوح مختلف تحصیلی کاهش یافته و حتی دارندگان مدارک دانشگاهی نیز با ناطمینانی بیشتری مواجه‌اند. نسل جوان، که با وعده فرصت‌های بی‌پایان وارد آموزش عالی شد، اکنون با رقابتی فشرده و فرصت‌های محدودتر روبه‌رو است. این تحول، انتظارات اجتماعی از نظام اقتصادی را درگروگن می‌کند.

پارادوکس کنونی آن است که اقتصاد جهانی از نظر سطح فناوری و ظرفیت تولید در اوج تاریخی قرار دارد، اما امنیت شغلی و توزیع منافع آن با چالش جدی روبه‌روست. زنجیره‌های تأمین پیچیده و شبکه‌های دیجیتال جهانی، امکان تولید کارآمدتر را فراهم کرده‌اند. با این حال، چارچوب‌های نهادی و سیاستی هنوز نتوانسته‌اند تعادلی پایدار میان نوآوری، سودآوری و عدالت اجتماعی برقرار کنند.

چشم‌انداز پیش‌رو وابسته به چگونگی مدیریت این گذار است. اگر افزایش بهره‌وری ناشی از هوش مصنوعی به کاهش ساعات کار، ارتقای مهارت‌ها و تقویت نظام‌های حمایت اجتماعی منجر شود، فناوری می‌تواند به سکوی جهش رفاهی بدل گردد. چنانچه منافع آن صرفاً در صورت‌های مالی منعکس شود، شکاف نابرابری تعمیق خواهد یافت و سرمایه اجتماعی آسیب خواهد دید.

اقتصاد جهانی اکنون در نقطه عطفی تاریخی ایستاده است. موج تازه اخراج‌ها صرفاً یک چرخه تجاری معمولی نیست؛ نشانه‌با تعریف رابطه میان سرمایه، کار و فناوری است. کیفیت پاسخ سیاست‌گذاران، بنگاه‌ها و نهادهای اجتماعی به این تحول تعیین خواهد کرد که عصر جدید، به دوره‌ای از ناطلمینانی مزمن بدل شود یا به فرصتی برای بازآفرینی الگوی توسعه‌ای متوازن‌تر و انسانی‌تر.

جهان

خبرN E W S

رشد اخراج مهاجران از اتحادیه اروپا

کمیسر اتحادیه اروپا در امور مهاجرت می‌گوید که در سال ۲۰۲۵، بیست‌وهشت درصد از مهاجرانی که موظف به ترک این بلوک بودند، بازگردانده شدند؛ رقمی که به گفته او بالاترین میزان ثبت‌شده در یک دهه اخیر است. ماگنوس برونر در گفت‌وگو با روزنامه آلمانی «ولت آم زونتاک» گفت سال گذشته بیش از ۴۹۱ هزار نفر در اتحادیه اروپا موظف به ترک منطقه بودند و حدود ۱۳۵ هزار نفر از آنها بازگردانده شدند. او گفت این افزایش نتیجه برخورد قاطع‌تر کشورهای عضو، ثبات بیشتر در برخی کشورهای مبدأ و بهبود نظام اطلاع‌رسانی اتحادیه بوده است. با این حال، برونر تأکید کرد رشد آمار اخراج‌ها همچنان ناکافی است. او گفت: «افزایش شمار بازگرداندن‌ها در سال گذشته نمی‌تواند ما را راضی کند.» به گفته او، مقررات فعلی بازگرداندن دیگر «به اندازه کافی خوب عمل نمی‌کنند» و اتحادیه اروپا باید هرچه سریع‌تر بسته مقررات جدید را که سال گذشته ارائه شد، تصویب کند. طرح پیشنهادی، اعمال قواعد سخت‌گیرانه‌تر برای افراد دارای سابقه کیفری، تعیین وظایف روشن‌تر برای افرادی که حکم اخراج دارند و تقویت همکاری میان کشورهای عضو را شامل می‌شود. همچنین مدت نگهداری افرادی که از حمایت برخوردار نیستند و باید اروپا را ترک کنند، در بازداشت پیش از اخراج افزایش خواهد یافت. این بسته جدید، امکان انتقال برخی پناهجویان به مراکز موسوم به «Return Hubs» در کشورهای خارج از اتحادیه اروپا را نیز فراهم می‌کند؛ اقدامی که کمسیون می‌گوید می‌تواند روند اخراج‌ها را کارآمدتر کند. برونر گفت اصلاحات داخلی کافی نیست و کشورهای ثالث باید اتباع خود را بازپس بگیرند. او گفت اتحادیه اروپا از این پس سیاست ویزا، تجارت و کمک‌های توسعه‌ای را بیش از گذشته به میزان همکاری کشورها در موضوع مهاجرت گره خواهد زد.

رشد جهانی فروش خودروهای برقی

تعداد خودروهای برقی جهان با سریع‌ترین رشد تاریخ خود افزایش یافته است. طبق گزارش دوشنبه مرکز پژوهش‌های انرژی خورشیدی و هیدروژن آلمان (ZSW)، اکنون بیش از ۷۴ میلیون خودروی تمام‌برقی، پلاگین هیبرید و رنج‌اکستندر در جاده‌ها تردد می‌کنند. این رقم نسبت به سال قبل ۱۹ میلیون دستگاه بیشتر است. رکورد قبلی افزایش سالانه ۱۴ میلیون بود. چین با اختلاف زیاد در صدر قرار دارد؛ حدود ۴۴ میلیون دستگاه، یعنی ۶۰ درصد کل خودروهای برقی جهان. آمریکا با ۷ میلیون رتبه دوم را دارد، سپس آلمان (۳.۲ میلیون)، بریتانیا (۲.۸ میلیون) و فرانسه (۲.۵ میلیون). مجموع ۱۴ کشور بزرگ اروپایی از ۱۶ میلیون دستگاه فراتر رفته و به‌وضوح از آمریکا پیشی گرفته است. آندریاس پوتنر از ZSW گفت که نوسانات اخیر نرخ سوخت نشان می‌دهد کشورهایی با سهم بیشتر خودروهای برقی در برابر شوک‌های قیمتی مقاوم‌ترند؛ چون مالکان به سوخت فسیلی وابسته نیستند. این امر فشارهای اجتماعی و اقتصادی در بحران‌ها را کاهش می‌دهد. در میان خودروسازان، BYD، چین با ۱۵ میلیون دستگاه پیشتاز است، تسلا با ۹ میلیون دوم، فولکس‌واگن (۵.۷ میلیون)، «آپ‌او» با ۳.۱ میلیون ششم و مرسدس‌بنز نیز با بیش از ۲ میلیون هشتم است.